

عدالت

- ۱ - رمز محبوبیت عدالت
- ۲ - عدالت در پایگاههای آزادی !
- ۳ - رهبران عادل
- ۴ - مبارزات علی (ع) با بیعدالتیها

ان افضل قرّة عين الولاية ، استقامة العدل
في البلاد .

دبرترین روشنی چشم زمامداران ، برخورداری
مردم کشورها و استانها از عدل و داد است .
علی علیه السلام (۱)

۱ - رمز محبوبیت عدالت

برادری و برابری، آزادی و دموکراسی ، مساوات و عدالت راهمه شنیده ایم
از کلمات بسیار مشهوریست که زبانزد همگان است ، زینت بخش سخنرانیها و
انتشارات گردیده انسانها از شنیدن آن لذت میبرند ، در جامعه بشری کلامهای
مقدسی بشمار میروند ، دانشمندان و بزرگان بلکه هر دسته و طبقه ای برای آنها
احترام خاصی قائلند .

این شهرت را از کجا بدست آورده اند ؟ و رمز محبوبیت آنها چیست ؟ برای
آنستکه : این کلمات دارای معانی مقدسی هستند که مطابق فطرت پاک بشری است
آن معانی که انسان را بیساخته و تکامل یافته میاندازد و خاطر مدینه فاضله -
ای را که ایده آل فلاسفه است در صحنه افکار بیدار میکند و انسان را در رؤیاهای
شیرینی غوطه ورمی سازد .

جزالذتبخش نباشد در حالیکه اگر این موضوعات در اجتماعی اجرا شود هر قدر هم که عقب افتاده باشند توده های رنج دیده به حقوق از دست رفته خود میرسند، دیگر کسی قادر نیست که از مقام خود سوء استفاده کرده و حق کسی را پایمال کند. اگر عدالت بمفهوم واقعی اجراء شود اختلاف طبقاتی از جامعه رخت بر می بندد، ظلم و ستمی وجود نخواهد داشت، جنگ و نزاع ریشه کن می شود برادری و برابری توأم با صفا و صمیمیت بر آن اجتماع حکومت خواهد کرد.

آری رمز محبوبیت و مقدس بودن عدالت اجتماعی، اثرات درخشان عدالت است که آن اثرات در پرتو اجراء عدالت واقعی بوجود خواهد آمد که در سایه آن اجتماعی پر مهر و محبت، با وحدت و یگانگی هر چه بیشتر تشکیل خواهد شد.

۴ - عدالت در پایگاه های آزادی!

در مراکز تمدن کنونی که پایگاه های آزادی، و گهواره دموکراسی لقب گرفته اند در این کشورها بیش از هر جا صحبت از عدالت اجتماعی میشود. در بیانیه ها و سخنرانی ها، طرفداری از آزادی و دموکراسی و عدالت می کنند، با ملل عقب افتاده و ضعیف هم پیمان می شوند تا از حقوق آنان دفاع کنند.

متأسفانه در این کشورها که هنگام سخن گفتن، خود رامظهر عدالت و آزادی قلمداد کرده اند در موقع عمل همه این گفته ها فراموش می شود و نه تنها سخنان خود را عمل نمی کنند بلکه درست بعکس ادعای خود، عملیاتی از آنان سر میزند که اساساً با عدالت تطبیق ندارد و در روش آنان خصوصاً نسبت بمملتهای ضعیف اثری از دموکراسی و عدالت خواهی دیده نمیشود.

گویا عدالت آنان هیچگاه از مرحله حرف تجاوز نکرده و نخواهد کرد و این کلمات مقدس را وسیله اجراء نقشه های شوم خود کرده بدینوسیله میخواهند بر کشورهای کوچک حکومت کنند.

این فرانسه، که اعلامیه حقوق بشر از آنجا منتشر شده و مهد تمدن کنونی بشر است با مردم مسلمان الجزائر چگونه رفتار کرد؟ آیا بندهای آنان پاسخ مثبت داد و در مقابل خواسته آنان روش عادلانه داشت؟

جوابش را از روزنامه ها بشوید که در مدت هفت سال دوره جنگی که در

الجزائر ادامه داشت یک میلیون نفر از مسلمانان الجزائر بدست سر بازان فرانسوی بھاك و خون کشیده شدند (۱) بجرم اینکه مردم آن کشور خواستار اجراء عدالت و آزادی و استقلال وطن بودند و نمی خواستند که فرانسه بر آنها حکومت کند این نمونه ای بود از اجراء عدالت دریکی از پایگاههای آزادی و دموکراسی ! و نیز انگلستان که در دریف کشورهای آزادیخواه قرار گرفته پس از جنگ جهانی اول و انقراض حکومت عثمانی با کشورهای اسلامی چه روشی را، ملی ساخت؟ آیا با عدالت رفتار کرد؟

می نویسد انگلستان پس از جنگ جهانی اول بسیاری از سرزمینهای اسلامی را غصب کرد و فقط در سرزمین اسلامی فلسطین حکومتی را برای یهود و عمال صهیونیسم تشکیل داد و یک میلیون نفر از اعراب مسلمان را از خانه خود بیرون کرد و سرگردان نمود و هم اکنون در مصر و سوریه واردن آواره اند و نیز چندی پیش که مردم یمن، عدن، عمان قیام کرده و خواستار آزادی و استقلال بودند بدست سر بازان بریتانیائی درو شده و کشتار و وحشیانه ای انجام گرفت. (۲) اینست مفهوم عدالت اجتماعی در کشور متمدن و دموکراسی انگلستان ! همین روش در آمریکا و شوروی تعقیب می شود که احتیاج بشرح ندارد.

۳ - رهبران عادل

امتیاز اسلام بر سایر مکتبها آنستکه نظریات خود را از صورت تئوری و فرضیه خارج ساخته و بمرحله عمل در آورده است و چون اسلام در موضوع عدالت طبق روش خود جانب فطرت را مراعات نموده و بندای فطرت ھاك، پاسخ مثبت داده عدالت را در بر نامه اجتماعی خود بسبک جالبی اجراء نموده و تنها بصرف گفتن و نوشتن اکتفاء نکرده بلکه دستورات عادلانه ای که در آیات قرآن و دستورات پیشوایان دینی دیده می شود موبوعملی شده است و در دوران زندگی و حکومت رهبران واقعی مسلمین عدالت بخوبی جلوه گراست که هیچ جای انکار برای کسی باقی نمی ماند.

یکی از رهبران عادل اسلام **علی بن ابیطالب علیه السلام** است که در زمان حکومتش نقطه های روشنی از عدالت خود نمائی می کند و آنچنان در اجراء

عدالت کوشا و جدی بود که نویسنده بزرگ مسیحی اورا صوت العدالة الانسانیه خوانده است .

استاد عباس محمود العقاد در کتاب عبقریه الامام نقل کرده است که علی (ع) زره جنگی خود را نزد یکمرد مسیحی یافت اورا بحضور شریح که قاضی بود ، آورد تا بایکی از افراد عادی که مسیحی هم هست بمحاکمه پردازد و ادعا کرد این زره مال منست و من نه آن را فروخته و نه بخشیده ام .

شریح از مسیحی پرسید : در آنچه که امیر المؤمنین گفت چه نظر داری ؟ مسیحی اظهار کرد : این لباس مال منست والبته امیر المؤمنین هم پیش من دروغگو نیست .

شریح از علی (ع) پرسید: یا امیر المؤمنین شما شاهدی دارید؟ علی (ع) تبسمی نموده فرمود : من شاهدی ندارم. بدین ترتیب قاضی برفع مرد نصرایی رأی داد و زره را برداشت و راه افتاد و علی (ع) (زمامدار مسلمین) اورا می نگریست. ولی مرد مسیحی چند قدمی پیش نرفته بود که برگشت و گفت تصدیق میکنم که این دستور؛ دستور پیمبران است: امیر المؤمنین مرا پیش قاضی خود میبرد تا محاکمه شویم و قاضی هم علیه وی و برفع من حکم میدهد من شهادت میدهم به یگانگی خدای بزرگ و پیمبری محمد بن عبد الله (ص) که بنده اوست و ای امیر المؤمنین این زره بخدا مال تو است و موقعی که شما از جنگه صفین بر میگشتید من پشت سر شما حرکت می کردم ، و آنرا از روی شتر شما برداشتم. علی (ع) فرمود : اکنون آنرا بتو بخشیدم (۱)

این نمونه ای از حکومت عادلانه علی (ع) که یکی از رهبران بزرگ مسلمین بوده ، و آن هم روش کشورهای متمدن کنونی که خود را طرفدار فرشته عدالت قلمداد کرده اند !

کتابخانه مدرسه نهضت

۴ - مبارزات علی (ع) با بیعدالتیها

بی عدالتی سبب بروز مفاسد بیشماری می شود که از همه آنها زیانبارتر ، اختلاف عقیداتی است و اسلام همواره برای حفظ اتحاد و اتفاق می کوشیده و هر عاملی که موجب شکست وحدت مسلمین میشد برای سرکوبی آن، مسلمین مسئولیت سنگینی داشتند .

در زمان خلافت عثمان جامعه مسلمان گرفتار بیعدالتی شد ، حقوق مات ستمدیده پایمال گشته خلیفه واقوام و دوستانش از بیت المال بیش از حد سوء استفاده نمودند و در نتیجه نظم اجتماع از هم پاشیده شد و طبقه رنجبر علیه هیئت حاکمه قیام کرد ، و بالاخره عثمان قربانی بی عدالتی و اختلاف طبقاتی گردید . سپس زمام امر به دست علی (ع) امام عادل واگذار شد . آن حضرت برای اولین مرحله میخواست بر نامه خود را در اجتماع مشخص سازد تا ریاست طلبان و دنیا پرستان ، آنها که در زمان عثمان به حقوق ملت ظلم کرده اند بحساب کار خود برسند .

ابن ابی الحدید میگوید: در روز دوم، علی (ع) تصریح کرد و فرمود: خداوند شاهد است که من علاقه ای بر ریاست ندارم و از پیمبر شنیدم که فرمود: هر کس زمام امور امت را بدست بگیرد روز قیامت او را بر صراط نگاه خواهند داشت اگر بدالت رفتار کرده باشد خداوند او را بموجب همان عدالت نجات خواهد داد و گرنه گرفتار عذاب خواهد شد .

سپس فرمود: آنها که در دنیا و اموال آن غرق شده و املاک و نهرها و اسبان و کنیزکان نازک اندام برای خود تهیه کرده اند فراهمه را از آنها گرفته و بیت المال بر میگردانم و بآنها ما نقد را خواهم داد که حق دارند و زمینها را بر میگردانم اگر چه در مهریه زنان یا بهای کنیزکان مصرف شده باشد .

سپس فرمود: **ان فی العدل سعة ومن ضاق علیه العدل فالجور عاينه اضیق**: «عدالت بیش از هر چیز گنجایش دارد و یگانه ظرفیت وسیعی که میتواند رضایت عمومی را جلب کند عدالت است و اگر کسی بحد خود قانع نباشد و عدالت بر او فشار آورد ، ظلم و ستم بیشتر با او فشار خواهد آورد» (۱)

و نیز شرح مبارزات ابو بکر صغیر علیه عثمان و معاویه نمونه دیگری است از مسئولیت سنگین مسلمین در مقابل بی عدالتیها که سرانجام در راه همین هدف مقدس او را بهره بده تبعید کردند و نامش در صفحات طلائی تاریخ در ردیف مردان عدالت خواه ثبت گردید .

گنجنامه مدرسه نبویه

اعدلوا هو اقرب للتعوی

«عدالت کنید ، بهره یز کاری نزدیکتر است» (قرآن کریم)